

ماجرای عشق و عاشقی میدون

میدون نامه تاریخی می‌نویسد:

لایک به سوفیا وکیما

ودیدگر زنان سرزمین



پوریا عالمی

● کیمیاجان سلام. ای مدال المپیک‌آور ما. من میدون هستم. میدون دوم، عاشق سوفیا. مسئله اینجاست که بابای سوفیا عاشق من نیست و قبول نمی‌کند من و سوفیا همچون دو مرغ عشقی عاشق به‌هم برسیم. دیروز دیدم که مدال گرفتی. به همین سبب این‌ نامه را برایت می‌نویسم. البته بابای سوفیا دگم است و اگر بداند من به دختر دیگری نامه نوشته‌ام، عصبانی می‌شود. البته اگر به دختر خودش هم نامه بنویسم عصبانی می‌شود. درکل بابای سوفیا یک حالت صداوسیماطوری دارد؛ یعنی می‌گویند سیاه‌نمایی نکنید و فیلم سیاه نسازید، اما اگر فیلم رنگی بسازی، هرجا هنرپیشه خانم نشان بدهی، برمی‌دارند سیاه‌وسفیدی می‌کنند. به نظر من البته این بدترین نوع سیاه‌نمایی است که در تاریخ اتفاق افتاده.

خلاصه من این نامه را به تو می‌نویسم و برای اینکه شبانه‌ای پیش نیاید (برای سوفیا البته) باید بگویم که من در گیرودار سوفیا هستم و از نوشتن این نامه قصد دارم، اما عرض ندارم. می‌دانی چرا من این نامه را برای تو نوشتم؟ چون تو ۱۷سالت است و هنوز ازدواج نکرده‌ای. اگر ازدواج کرده بودی، مثل آن یکی ورزشکار زن که سال گذشته می‌خواست برود خارج. اما آقااشون نگذاشت، اما خود اقاچه امسال از طرف تلویزیون رفت المپیک توی خارج و با آن وضعیت که حتی روی مدالشان را هم نمی‌شود با خانواده دید و آب از آب تکان نخورد. بله. اگر آن ورزشکار زن رفته بود، شاید او مدال‌آور شده بود و ما زودتر از تو به او تبریک می‌گفتم. خواستم بدانی برای اینکه تو اولین مدال المپیک ورزشکاران زن ایران را به دست آوردی خیلی چیزها دست به دست هم داده بود و خیلی چیزها هم دست روی دست گذاشته بوده و خیلی چیزها هم رودست زده‌اند و خیلی چیزها هم دست آدم را گذاشته‌اند توی پوست گردو و خیلی چیزها هم دست بالای دست بسیار بوده‌اند تا مدال المپیک برسد دست تو. دست آن زنان که نتوانستند اما می‌توانستند مدال‌آور باشند درد نکند.

البته باید بگویم شاید تو فکر کنی که من از این آقای مجری کله کردم که چرا نگذاشته خامنش پارسال برود مسابقه ورزشی توی خارج بدهد. اما نه. تو دچار اشتباه شدی. من صددرصد موافق آن آقای مجری تلویزیون هستم. سوفیا هم حتی اگر بخواهد برود خارج من اجازه نمی‌دهم. و بهش گفتم آدم ازدواج می‌کند که دیگر از این کارها نکند، اما خوشبختانه بابای سوفیا از من مردتر است و او هم اجازه نداده و نمی‌دهد که سوفیا خودش تنهایی برود خارج. بعد هم حواست باشد که تو ۱۷ سال داری. سال دیگر دیلم می‌گیری و به سلامتی می‌روی خانه بخت و همین‌قدر هم افتخار کافی و اندازه است. امیدوارم سریع فاز ازدواج برداری که فاز و نول جامعه به‌هم نریزد.

البته تو درس بزرگی به زنان کشورت دادی (این درس هیچ ربطی به خارج‌رفتن ندارد) و آن این است که تو خودت به‌تنهایی مدال گرفتی. درحالی‌که زنان ما می‌خواهند ما مردان برایشان طلا بگیریم. من امیدوارم سوفیا و دیگر زنان آن تو درس زندگی بیاموزند و هم دشمنان تلاش خودشان طلا بگیرند و از ما بخواهند طلا بگیریم و البته تو هم حتما یک مصاحبه بکن و درباره مضرات و محیط خراب مسابقات المپیک بگو که سوفیا و دیگران نزنند به سرشان و فیلشان یاد هندوستان و المپیک نکند. ممنون. در پایان باید یادآوری کنم من میدون دوم هستم و عاشق سوفیا و سوفیا خیلی روشنفکر است و اجازه می‌دهد من برای زنان موفق سرزمینم نامه بنویسم، اما خودش به‌خوبی می‌داند که من به دلیل دانایی بیش‌از‌حدم مردم را بهتر از او می‌شناسم به‌همین‌دلیل سوفیا حتی صفحه بهرام رادان را لایک هم نمی‌کند که بنیان خانواده به‌هم نریزد. راستش شکم یک‌بار صفحه محمدرضا گلزار را لایک کرده بود، چنان بنیان خانواده ما را به‌هم ریخت که تا دو هفته پای چشمش کیود بود و متوجه شد چطوری لایک‌کردن او به خانواده آسیب می‌زند. البته سوفیا، البته عشق من در زندگی، خودش داناست و به‌درستی می‌داند که من به دلیل سلطه‌ام به تاریخ هنر تشخیص داده‌ام که صفحه مهناز افشار و مهتاب کرامتی و هانیه توسلی و یگه آهنگرانی و بهاره رهنما و هنگامه قاضیانلی و طاز طباطبایی و فلامک جنیدی و سحر دولتشاهی و هدیه تهرانی و نیکی کریمی و میترا حجار و لیلا حاتمی و باران کوثری و ترانه علیدوستی و بهنوش بختیاری و سحر قریشی و جنیفر لویز و آنجلینا جولی و سلین دیون و البته خود تو را لایک کنم و بعضا دایرکت هم بدهم. این‌ توضیح را دادم که اشتباه برداشت نشود).

شتر

روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۵ ۱۷ ذی‌القعده ۱۴۳۷ ۲۰ آگوست ۲۰۱۶
سال سیزدهم • شماره ۲۶۶۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۰۶ • اذان صبح فردا ۴:۵۸ • طلوع آفتاب ۶:۲۸

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب



جلال پیرمرزآباد

لزوم احیای دوجرخه سواری برای تحقق زندگی در شهر سالم



کافه نظر

آیا اغلب مشکلات اجتماعی ریشه در فضای مجازی دارد؟

اظهارات اخیر آیت‌الله مکارم‌شیرازی درخصوص فضای مجازی این روزها در همان فضای مجازی در حال دست‌به‌دست‌شدن است و کاربران از خود می‌پرسند که آیا واقعا عامل ۹۰ درصد طلاق‌ها، دزدی‌ها و دیگر آسیب‌های اجتماعی، فضای مجازی است؟ آیت‌الله مکارم‌شیرازی در دیدار با معاون قوه قضائیه گفته است: «یکی از عوامل وقوع جرم، فضای مجازی است که بلایی برای جوانان کشور و حتی کل دنیا به معنای عام شده است. بسیاری از تخلفات، طلاق‌ها، سرقت‌ها و جرم‌های دیگر ناشی از فضای مجازی است و برای نظارت بر فضای مجازی نیز باید فکری شود». این اظهارات در حالی منتشر شده که در هفته گذشته، رهبر انقلاب اسلامی بر «استفاده از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی» و «به‌روزیبون در این عرصه» تاکید کرده بودند.

محمدعلی ابطیعی

فعال سیاسی



در جامعه امروز، فضای مجازی یک رسانه است و طبعاً مهم‌ترین کارکردی که دارد، انتقال نظرات است. چنین کارکردی از فضای مجازی، محیطی می‌سازد که نه توان ایجاد فساد دارد و نه می‌تواند صلح و خبری به‌همراه داشته باشد چراکه در این عرصه، اصل بر محتوایی است که در این فضاها منتقل می‌شود. این رسانه نتوانسته نوعی عدالت در شنیدن همه صداها ایجاد کند و طبیعی است که هم‌زمان در روند بهبود بخشی از مشکلات نقش داشته و خود به ایجاد برخی دیگر از مشکلات کمک می‌کند. به نظر مراهاکار درست در مواجهه با فضای مجازی، همان راهکاری است که اخیرا مقام معظم رهبری هم به آن اشاره کرده‌اند و آن استفاده حداکثری از ظرفیت‌های شبکه‌های اجتماعی است.»

سیدحسن موسوی‌چلک

رئیس انجمن مددکاران



نگرانی از فضا‌های مجازی، فقط مختص به مسئولان نظام نیست، خانواده‌های بسیاری هم از کارشناسان اجتماعی می‌پرسند که آیا حضور مداوم فرزندانشان در چنین فضاهایی ممکن است آسیب‌زا باشد یا نه. برای پاسخ به چنین سؤال‌هایی باید این فضا را به طور کامل شناخت و با شناخت علمی و دقیق نسبت به آن اظهارنظر کرد.

اولین نکته که به ذهنم می‌رسد این است که فعالیت در شبکه‌های مجازی، «ارتباط» نیست، بلکه «اتصال» است. ارتباط پدیده‌ای هدفمند و به قصد و منظوری خاص انجام می‌شود، اما اتصال، هدفمند نیست.

فرصتی که فرزندان ما در شبکه‌های مجازی و اجتماعی می‌گذارند، لحظه رویارویی آنها با انواع

بر فراز آسمان شهر

قلیان، گلدان، قهوه‌خانه‌داران



بابک زمانی
رئیس انجمن سکنه مغزی ایران

اتحادیه قهوه‌خانه‌داران سنتی ساختمانی دارد به‌غایت زیبا و تماشایی و البته به‌دقت ترین‌شده با درختان و گلدان‌های متعدد و آبشارهای مصنوعی و صدا‌های پرندگان واقعی که در پس‌گوچه‌ای از یکی از تاریخی‌ترین و خاطره‌انگیزترین میدان‌های تهران، بهارستان، واقع شده است. شرکت در جلسه‌ای با حضور هیات‌مدیره این‌ انجمن و بسیاری از اهالی باصافی این‌ صنف خاطره‌ای فراموش‌نشدنی برای من شد که به لطف یکی از بزرگ‌ترین آموزگاران طب و به‌عنوان نماینده ایشان مقدور شد؛ آن هم در موقعیتی که حداقل خودم آن را به نمایندگی از طرف گروهی از پزشکان و گروهی از مردم تعریف می‌کنم. موضوع جلسه همان داستان قلیان بود که ما به گلدان مرتبطش می‌کردیم، ولی آنها به‌شدت نگران محدود و ممنوع شدن آن در قهوه‌خانه‌هایشان بودند. قهوه‌خانه‌هایی که تعدادشان خیلی بیشتر از آن چیزی بود که پیش‌تر تصور می‌کردم. انسان‌های بسیار شریف و ساده‌ای بودند که از همه جهات انسان را به یاد پهلوانان اساطیری‌مان می‌انداختند! یک‌یک با حرارت ابتدا درباره مضرات قلیان صحبت کردند و سپس در این زمینه که بیکار نباید آن را ممنوع کرد و افراد زیادی بی‌کار خواهند شد و اینکه مگر افیون را حریف شده‌اند که حالا می‌خواهند سراغ قلیان بیایند و البته گاه به هيجان می‌آمدند و تند هم می‌شدند. طولی نکشید که من دریافتم در میان مخالفان ممنوعیت قلیان به‌شدت در موضع اپوزیسیون هستم، آن هم در آن جو به‌خصوص! اما دیگر راه برگشتی نبود. آهسته‌آهسته عرض کردم که «بنده حقیر نه نماینده دولت و حکومت که نماینده مردم و پزشکان هستم.

نماینده پزشکان به جهت آنکه به‌عنوان عضو هیات‌مدیره انجمن سکنه مغزی با رای ایشان انتخاب شده‌ام و به‌عنوان نماینده مردم به این دلیل که فرستاده استادی هستم که درحال حاضر نماینده مردم هستند و اضافه کردم می‌کند که از این فضا به‌نفع حفظ و اشاعه ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و... استفاده کنیم و جامعه را به سمت تحقق این ارزش‌ها سوق دهیم، همان‌طور که بسیاری از فعالان اجتماعی امروز از این ابزار رسانه‌ای چنین استفاده‌ای می‌کنند. قلیان رانشناس می‌کند، جایی که قلیان باشد به‌عنوان یکی از کاربران این فضا، معتقدم که فضای مجازی امروز به محلی برای مبارزه با کج‌تابی‌های اجتماعی بدل شده و بعید است که ۹۰ درصد ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی ریشه در این فضا داشته باشند.

همچنین نماینده پزشکیانی هستم که بخش مهمی از فعالیت روزانه خود را به درمان بیماری‌هایی که مستقیم یا غیرمستقیم به واسطه قلیان ایجاد می‌شوند اختصاص می‌دهند، پزشکیانی که غیر از ویزیت و درمان تک‌تک بیماران، مسئولیت اجتماعی هم دارند و این مسئولیت هم در سوئند پزشکی آنها مستتر است و هم برای ایفای این مسئولیت اجتماعی است که من به نیابت از ایشان هم‌اکنون اینجا هستم. به‌هرحال باید گفت مسائل فرهنگی نظیر تمایل بی‌رویه به قلیان جز با مقابله و مباحثه مسالمت‌آمیز مخالفان قلیان و دخانیات و اقدامات فعال آنها به ثمر نخواهد نشست. مقابله صرفاً قانونی با این پدیده شاید نتایج مطلوب به بار نمی‌آورد؛ تنها راه مقابله شرکت در کمپین‌هایی است که در این ارتباط به راه افتاده‌اند و عزم خود را به‌هیچ‌وجه دست‌کم نمی‌گیرند.

بنابراین خود را برای سال‌های آینده هم آماده کرده‌اند و از تمام ابزارهای دوستانه برای مقابله با این‌گونه مشکلات بهره خواهند برد. شاید آزمونی باشد برای سایر فعالیت‌های اجتماعی!

پشت جلد

مدالی که بیشتر است!

لازم مورد بررسی قرار خواهد گرفت. سخن اصلی این یادداشت در ضرورت برداشتن موانع از پیش پای زنان و هموارکردن راه‌ها برای آنها و اصلاح این‌دگاه هست که بهتر است سرمایه‌گذاری‌ها روی مردان صورت گیرد. به‌نظرم، مهم‌ترین توجیهی که ممکن است برخی برای محدودسازی زنان به‌کار ببرند، این باشد که شرایط فرهنگی یا ملاحظات خاص درباره زنان، عملاً امکان حضور زنان در این مبادین را بسیار محدود کرده است. همین حد از حضور زنانی شبیه کیمیا علیزاده



در مسابقات بین‌المللی ثابت کرده این سخن اساساً درست نیست. تا جایی‌که بحث کلی است، می‌توان شرایط را منطبق کرد، ولی آنجا که حرف سلیقه‌های شخصی در میان باشد، طبیعی است غیرقابل‌قبول باشد. قانون اساسی مهم‌ترین مبنای ملی برای تعیین حدود اجتماعی است. بنا بر این مبنای، باید امکانات به طور یکسان برای همه -اعم از زن و مرد- فراهم شود. جایی‌که از بودجه بخش زنان کاسته و آن را برای جاهای دیگر اختصاص داده، دقیقاً در همین نقطه است که نادرست‌بودن کارش روشن می‌شود. زنان باید خودشان، خودشان را ثابت کنند. در غیر این‌صورت انتظار و باور اینکه این حقوق به آنها پیشکش شود، دشوار است. سالیان طولانی زنان در محدودیت‌های زیاد بوده‌اند، دقیقاً به‌همین‌خاطر است که درخشش یکی از آنها باید بیشتر دیده شود، ولی انتظار کسب تساوی زنان با مردان در همه مبادین بدون سرمایه‌گذاری‌های مساوی قبلی و ایجاد شرایط مناسب برای آنها، زیاده‌خواهی است. باید هر چیز در جای خود دیده شود!

سلام به فردا

افتخار بر تر از کمبودها

گرفته، از چه سطحی برخوردار است و آیا تضمین‌کننده جایگاه ورزش زنان ایران در مقایسه با ورزش زنان در منطقه و جهان هست یا خیر؟ بررسی‌ها نشان می‌دهد در این برنامه‌ها هرگز سرمایه‌گذاری لازم برای ارتقای ورزش بانوان مدنظر قرار نگرفته است. همه این موانع در کنار تنگ‌نظری‌هایی‌که مزید بر علت شده‌اند، باعث شده ورزش بانوان ایرانی نتواند پایه‌ای‌ها ورزش زنان در جهان پیش برود؛ بااین‌حال و با وجود نبود و کمبود فضا، زمینه نابرابر و محدودیت‌های سلیقه‌ای، زنان ایرانی نتوانسته‌اند در مسابقات بین‌المللی افتخارآفرین باشند و این بیش از هر چیز نشان از حِمّت و غیرت این زنان است و بی‌غیرت‌خواندن آنها چه عمداً و چه سهواً کاری دور از انصاف و خطاست و صداوسیما جمهوری اسلامی ایران باید در این زمینه جواب‌گو باشد. معتقدم این زنان از هر آنچه در توان داشته‌اند، برای برافراشتن پرچم ایران در جهان مایه گذاشته‌اند و به‌کاربردن این کلمات و قضاوت‌ها درباره آنها جفاست. کسانی‌که به حوزه ورزش بانوان آشنا هستند و در آن فعالیت کرده‌اند، از مرارت‌ها و سختی‌های این حوزه باخبرند و می‌دانند تلاش‌های ورزشکاران ایرانی، چه زن و چه مرد از ارزش بالایی برخوردار است. فارغ از اینکه این رفتار و بیان به چه دلیل صورت گرفته، کمترین پاسخ برای جبران آن عذرخواهی از زنانی است که برای ورزش ایران از جان و دل مایه گذاشته‌اند و حضورشان در این رویداد ورزشی بین‌المللی مقتدرانه و آبرومندانه بوده است. علاوه‌براین زاید از سوی نهادهای مسئول تقدیر شوند؛ چراکه الگوی زن ایرانی- اسلامی در جهان را به بهترین شکل به نمایش گذاشته‌اند. امیدواریم این حضور و نتایج آن مقدمه‌ای باشد برای تلاش بیشتر دست‌اندرکاران ورزش ایران که بتوانند از همه ظرفیت‌های داخلی و خارجی برای توانمندکردن ورزش ایران استفاده کنند. در پایان لازم است بر این نکته تاکید شود که سرمایه‌گذاری در حوزه ورزش زنان به‌شدت می‌تواند در حوزه‌های دیگر هم اثرگذار باشد و باعث بهبود شاخص‌های دیگر در حوزه زنان شود.

گزارش فردا

عمران سوری، آزمون دوباره نوع‌دوستی

نیروی جهادی به گروه‌های تروریستی مانند داعش و جبهه‌النصره خدمت کنند. در این میان ۲۱ درصد از آنها را اروپایی‌ها تشکیل می‌دهد. این در حالی است که به گفته «جیمز کلاپر»، رئیس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا، در یک سال اخیر این تعداد بیشتر هم شده است. او در این زمینه گفته: «از زمان آغاز بحران سوریه تاکنون بیش از ۳۶ هزارو ۵۰۰ نفر برای جبهین سوریه نیروی جهادی به سوریه رفته‌اند که شش‌هزارو ۶۰۰ نفر از آنها از کشورهای غربی بوده‌اند؛» در میان کشورهای اروپایی، فرانسه در صدر قرار دارد. براساس آمار مؤسسه اقتصاد صلح از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ از این کشور هزارو ۲۰۰ نفر به عراق و سوریه مهاجرت کرده‌اند و به عضویت گروه‌های تروریست درآمده‌اند. روسیه نیز یکی دیگر از کشورهایی است که تعداد زیادی از شهروندانش درحال‌حاضر در سوریه و عراق و عضو گروه‌های جهادی هستند. روسیه البته امروز در حال بمباران مواضع نیروهای جهادی در سوریه است. مواضعی که احتمالاً باعث خواهد شد بسیاری از شهروندان خودش را نیز هدف قرار دهد. در این میان هستند چهره‌هایی که از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی دست به جذب نیرو می‌زنند، حتی از انواع و اقسام جلوه‌های ویژه و موسیقی‌های شاد و هیجان‌انگیز استفاده شده تا اصول انقلابی داعشی‌ها به شکلی پذیرفتنی به دیگران ارائه شود. دو ماه پیش دوحازرو ۱۴۷ شهروند فرانسوی درگیر فعالیت‌های جهادی بوده‌اند.



آذر منصوری

کسب مدال برنز توسط «کیمیا علیزاده»، توانمندوکار ایرانی بار دیگر ورزش زنان را به موضوعی قابل تأمل تبدیل کرده است. اینکه ورزشکاران زن ایرانی در چه شرایط و با چه زیرساخت‌هایی به کسب چنین مقام‌هایی ناال می‌شود. چندی پیش نتایجی که ورزشکاران ایرانی در این المپیک ريو ۲۰۱۶ به دست آورده‌اند، اظهارنظرها و حواشی چندی را به وجود آورد. دراین‌میان یک بانوی ورزشکار با یک صفت توهین‌آمیز توصیف شده است. درباره این اظهارنظر هرچند به عذرخواهی گذرا منجر شد، چند نکته به نظر می‌رسد. در ابتدا لازم است اشاره شود قاعدتاً جایگاه ورزش زنان ایران در ابعاد کلانش را نمی‌توانیم جدا از جایگاه ورزش ایران در صحنه بین‌المللی قضاوت کنیم. طبیعتاً زمانی‌که کاروان ایران نتوانسته است موفقیت‌های چشمگیری را در المپیک امسال رقم بزند، توقع موفقیت درخورتوجه از سوی زنان با توجه به ظرفیت‌هایی که برای آنها تأمین شده است، انتظار بجایی است؛ اگرچه در اینجا باید به ورزشکاران ایرانی‌که با تلاش‌های خود نتوانسته‌اند تاکنون دو مدال طلا کسب کنند، خسته نباشید گفت؛ اما تلاش‌هایی‌که در این‌ زمینه انجام گرفته، این موضوع نیست که زیرساخت‌های ورزش در کشور ما به‌ویژه درباره زنان مناسب نیست. جایگاه ورزش زنان ایران را بدون درنظرگرفتن شاخص‌هایی‌که مؤید شکاف‌های جنسیتی است، نمی‌توان در نظر گرفت. ازهمین‌رو زمانی‌که به بررسی ورزش زنان و تلاش‌هایی برای ارتقای آن در چهار دهه گذشته می‌پردازیم، می‌بینیم که ناکامی‌های امروز این حوزه ناشی از نبود برنامه‌ریزی‌های لازم در این زمینه است. برای قضاوت بهتر درباره جایگاه ورزش زنان در ایران باید به برنامه اول توسعه توجه کنیم و ببینیم برنامه‌ریزی‌هایی که در شش برنامه توسعه‌ای کشور در این سال‌ها صورت